

چند و چون دومین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان

(به سلسله بررسی دولت و جامعه در افغانستان)

مضمون دوم

1- آغازین:

همانطوریکه همه ما می دانیم انتخابات دوم ریاست جمهوری افغانستان صورت گرفت، از آنجائیکه در انتخابات تقلب گسترده - در حدود سی درصد از آرای داده شده به نفع آقای کرزی - صورت گرفته بود، به اثر فشار جامعه جهانی بالای آقای کرزی، انتخابات به دوره دوم بین او و دکتر عبدالله عبدالله کشیده شد .

دکتر عبدالله که تقلب گسترده کمیسیون انتخابات افغانستان را دید، انگشت روی عدم بی طرفی اعضای کمیسیون انتخابات گذاشت و مشروعیت چنین نهادی را با عین اعضای رهبری قبلی زیر سوال برد . او یک هفته به آقای کرزی وقت داد تا برخی از اعضای رهبری کمیسیون انتخابات را بر طرف نماید . ولی آقای کرزی علاقه ی به این شرط نشان نداد . دکتر عبدالله تکیه بر شفافیت انتخابات نمود . چون دستگاه اداری حکومت افغانستان در فساد مالی و چپاولگری و مافیا مواد مخدره گرفتار است، لهذا تبدیل و کنترل مهره های اداری این حلقه فساد کاری آسانی نیست . چنانچه در روز یکشنبه اول نوامبر در شبکه (cnn) مصاحبه های مطبوعاتی مقامات صاحب نظر امریکا در باره انتخابات افغانستان صورت گرفت ، قرار گرفته آقای (ولف بلیتز) گرداننده برنامه با اتکا به گزارش (هلن کوپر) نیویارک تای که برادر آقای کرزی احمد ولی کرزی تا هنوز از (cia) ماهانه کمیشن می گیرد . معلوم می شود که حکومتداری در گذرگاه سرزمین فقیر هندوکش به مثابه گنج قارونی است، که از هر طرف سرازیر می شود . با شنیدن این خبر به یاد شعر دکتر میترا نویسنده ایران افتادم ، که گفته بود:

چه شکرهاست در این شهر که قانع شده اند شاهبازان طریقت به مقام مگسی

بلا آخره با تکیه بر تقلب آقای کرزی برنده شد . اکنون همو به دستگاه ریاست جمهوری دوم فرمان می راند . لاکن حکومت آقای کرزی مانند برادر رضاعی او حکومت آقای دکتر احمدی نژاد رئیس جمهور ایران مشروعیت قانونی ندارد . متأسفانه در این برهه تاریخ که دامنه فرهنگ و مدنیت گرایی و احترام به حقوق بشر و نهادینه شدن دموکراسی حلقوم بسیاری از حاکمان کشور های محروم را گرفته است، برعکس نظام آخوند سالاری ایران و جمهوری اسلامی قبیلوی افغانستان با تکیه بر تقلب گسترده و زور گویی بر کرده مردمان خود حکمفرمایی می نمایند . قرار پژوهش “ جان کین ”

موسس و استاد مرکز مطالعه دموکراسی در دانشگاه وست مینستر انگلیستان در کتاب "زندگی و مرگ دموکراسی" می نویسد که، ...: اکنون در سرتاسر جهان، تنها در کشور های اسلامی بیشترین تعداد دیکتاتوران روی زمین باقی مانده است. حکومت آقای کرزی که در زیر به آن اشاره خواهم کرد، هدیه ی بود که توسط دولت امریکا بر این سر زمین تحمیل گردیده است.

2- ریاست جمهوریت آقای کرزی در شکل حکومت قبیلوی

در 7 اکتوبر سال 2001 زمانیکه دولت امریکا جنگ با طلبان را آغاز کرد و موجب سقوط آن ها گشت، بعداً به همیاری برخی از دولتمداران کشورهای صنعتی نظام «جمهوری اسلامی» افغانستان را که زیادتیر تکیه بر روند وساختار مذهبی داشت تا جمهوریت، به جامعه جهانی معرفی نمودند. حکومت امریکا و متحدین آن شکل نظام سیاسی افغانستان را به جهانیان؛ دولتی معرفی نمودند که برخاسته از روندهای سیاسی پیشرفته ی بشری می باشد. همین انگیزه باعث دلگرمی برخی از روشنگران قدرت طلب افغانستان گردید. آنها به خاطر منافع شخصی به این اهرم تکیه کردند. در حالی که از همان ماه های اول بخش جمهوریت آن از دست رفته بود و مشروعیت سیاسی و حقوقی خود را از دست داده است. در چند سال اخیر جمهوری اسلامی افغانستان، تنها پیشوایان اهل تشیع نظر به اندیشهء سیاسی که داشتند کوشیدند که به نوعی این نظام را از نگاه «قانونی» با اتصال نظری «به منشاء وحی الهی که حائز اهمیت است» برای «حقانیت حکمرانی» آن مشروعیت به بخشند، لکن ساختار اتنیکی و اجتماعی جامعه افغانستان طوری است که، جا بجا کردن قوانین فقه اهل تشیع در قانون اساسی افغانستان بصورتی فرعی و تزئینی در آمده است.

اکنون ما معنای از بین رفتن ماهیت «جمهوریت» را که شکل مدرن نظام های اجتماعی است و تکیه بر رای مردم دارد، درتقلب گسترده انتخابات جعلی دوره دوم ریاست جمهوری می بینیم. جالب است که بدون در نظر گرفتن رای مردم یک نهاد عادی به بنام کمیسیون انتخابات که یکی از حلقه دستگاه حکومت بیکاره است، اعلان می کند که آقای کرزی رئیس جمهور و برنده انتخابات است. اگرچه مردم افغانستان و جامعه جهانی عملکرد این حکومت را خوب می شناسند، ولی آقای کرزی با مهارت توانست، تقلب گسترده اش را از زیر ریش نماینده گان بین المللی بگذراند و برای موفقیت خود کارستانی را به انجام رساند. این موفقیت تقلب و دروغ بر قانونیت و حقانیت یکی از شهکاری های فرهنگی برخی از ما افغان ها است. از قرن ها پیش سنت تقلب و دروغ گویی توسط نظام های سرکوبگر و قبیلوی در جامعه ریشه دوانده است. چنانچه امروز همین فرهنگ دورغ گویی و تقلب ممیزه فرهنگی برخی از ما افغان ها در کشور های غربی گردیده است.

بهر حال، جمهوری اسلامی افغانستان را که حکومت امریکا و کشور های غربی در کشور سر پا کردند، عملکرد این نظام با همان شیوه قبیله ای؛ - درست آنگونه که از قرن ها در این سرزمین رواج داشته است،- عمل می کند . تا کنون دولت در افغانستان مهم نیست که از میان خود مردم بر آمد و یا مانند دولت آقای کرزی از عوامل بیرونی بر جامعه تحمیل شده است ، حاکمان آن تنها چیزی را که در مقابل مردم مورد اجرا قرار دادند، روش و فرهنگ قبیله ای بوده است و بس . خواه این قدرت در نوع نظام پادشاهی و یا ریاست جمهوری و یا تکیه با ایدئولوژی های چپ و مذهبی بوده است . تا امروز در تاریخ معاصر افغانستان ما دولت فراگیر مرکزی نداشتیم . از این رو انتخابات دوم ریاست جمهوری افغانستان قابل بحث است.

3 - پیامد دومین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان

انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری افغانستان عمده ترین حوادث سیاسی افغانستان در نیم قرن اخیر است . برای اولین مرتبه این انتخابات نشان داد که قدرت مرکزی افغانستان اگر هدیه الهی هم به یک قوم این سر زمین بوده ، رو به اتمام است . این انتخابات واقعبینانه های پوشیده اجتماعی درون جامعه را روشن ساخت

این انتخابات نشان داد که، در درون جامعه افغانستان نیرو های متحرک دیگری با برنامه و آرمان سیاسی موجود اند که، می توانند قدرت مرکزی افغانستان را از خواب افیونی قبیله ای آن بیدار سازند، و جامعه را بطرف تعالی و رشد اقتصاد شهری سوق دهند . ولی موفق نشدند . آنچه اکنون به ما افغان ها مهم است، تجربه دموکراسی است . در هر انتخابات برنده و بازنده وجود دارد . همانطوریکه برنده از نتایج زحمات انتخاباتی خود لذت می برد، باید بازنده با افتخار علت باخت خود را تشریح دهد و خود را برای رفع کاستی های برنامه اجتماعی و سیاسی خویش در مقابل مردم به دوره بعدی آماده سازد . این است میوه لذت بخش نهال دموکراسی

به باور این قلم که بزرگترین بازنده در این دهه پر تلاطم سیاسی افغانستان، روشنفکران بیرونی افغانستان اند . روشنگران بیرونی نتوانستند که اقلاً به مثابه یک لانه فرهنگی از عناصری که شعارهای حق طلبی می دادند، دفاع فرهنگی نمایند، برعکس گروهی از روشنفکران به خاطر قدرت طلبی بی جا بدون هویت اجتماعی و سیاسی در داخل افغانستان، نامزد های حزبی خود را برای مقام ریاست جمهوری معرفی نمودند . این تکصدایی کنونی روشنفکران بیرونی افغانستان در واقع طنز نامه ی زمانه ی ماست .

از بازنده گان که بگذریم برنده گان خوبی هم در این انتخابات درخشیدند. که یکی از آنها آقای دکتر رمضان بشردوست است. همو که با دست خالی در انتخابات دوم ریاست جمهوری افغانستان شرکت نمود، موفقترین کاندیداتی بود. او رای زیادی از مردم و بخصوص از نسل جوان را بدست آورد، موفقیت او در این انتخابات، حاوی پیام های زیر است.

اول: آنطوریکه جنگسالاران و جنایتکاران جنگی پیشین فکر می کردند که، هنوز هم می توانند با تکیه بر عدم آگاهی عوام الناس خود را نماینده گان اقوام خود جا بزنند و پهلوی آقای کرزی صف کشیدند، برعکس رای دکتر بشر دوست نشان داد که مردم افغانستان از جنگسالاران محلی و چپاولگران منفوراند و هیچگونه علاقه سیاسی به ایشان ندارند.

دوم: تعداد زیادی از نسل جوان به دور آقای بشر دوست جمع شدند، این بیانی از واقعیت های کنونی جامعه افغانستان است که یک جریان ضعیف خود جوش نسل جوان وجود دارد که علاقمند به دموکراسی، مردم سالاری است. این اجتماع فراموش شده نشان داد که، در افغانستان زمینه ی برای تشکل لانه فرهنگی و سیاسی وجود دارد. بر خلاف تصور روشنفکران بیرونی که جامعه کنونی افغانستان مرده تصور می کنند. در صورتیکه این جریان خودجوش نسل کنونی تقویه شود، می تواند در آینده تکیه گاهی برای گفتمان و بسط تفکر مدنیت گرایی گردد.

4- دکتر عبدالله عبدالله و طرح برنامه بیرون رفت از نظام قبیلوی

نخست از همه باید بی درنگ اضافه کنم که طرحی را که دکتر عبدالله برای رهایی جامعه افغانستان از چنگال قدرت مرکزی قبیلوی افغانستان مطرح نموده است، ما در شماره پنجم، مردم نامه باختر "در زمستان 1381 خورشیدی و جنوری 2003 در یادداشت ویراستاران، مطرح نموده بودیم. در آن زمان ما به این باور بودیم که در شکل نظام افغانستان؛ جمهوری است، لکن از نگاه ساختار این اهرم قبیلوی است. بعد ها در عمل این نظام نشان داد که، از نگاه عدالت اجتماعی هیچگونه شباهتی به حکومتات مذهبی طبق تعریف عبدالرحمن ابن خلدون در کتاب مقدمه، و یا شباهتی با نظامی با مشروعیت سیاسی و مقبولیت فقهی نداشته و ندارد.

همچنان این نظام از نگاه شکل جمهوری مدرن طبق بررسی ماکس وبر، یکی از متفکرین اصلی جامعه شناسی، که عمری را به تئوریزه کردن مفهوم حاکمیت و مشروعیت آن در سیستم های مختلف تاریخی گذرانده بود و تئوری او در کتاب (اقتصاد و جامعه Wirtschaft und Gesellschaft) بیان شده است، نمونه ی از نظام های نیست که مشروعیت آن بر پایه اعتقادات دینی استوار شده باشد. به این معنی که آقای کرزی اسلام را در قالب مقتضیات حکومت

وسيله ای علیه رقیبان و دشمنان خود صرف برای اثبات مشروعیت خویش استفاده میکند و در عمل همان «سلطان» یکه تازی است، که سبک دولتمداری او هیچگونه ربطی به نظام جمهوری که نماینده و یا حرف شنو مردم باشد، ندارد. تمام افراد یکه به چوکی های والی ها و مدیران ارشد و سفارت ها مقرر می شوند، از کابل و به خاطر همسویی با آقای کرزی صادر می شوند. همین علت باعث عدم تکثر و بسط این اهرم شده است.

همچنان در دوران تهیه قانون اساسی دهه (مشروطیت 1343 خورشیدی) و صدارت زنده نام دکتر محمد یوسف، نسبت فشار های سیاسی جریانات روشنفکری آن دهه تقریباً عین برنامه دکتر عبدالله دران زمان نیز مطرح شده بود، لکن رژیم شاهی اجازه حضور احزاب و حق خود مختاری انتخاب والی های ولایات و شهرداری ها را نداد. در واقع طرح دکتر عبدالله یگانه راه نجات این کشور از سلطه قبیلوی است و بس.

تا زمانی که ساختار قدرت مرکزی قبیلوی افغانستان شکسته نشود، راه تعالی و پیشرفت این سر زمین ممکن نیست. در اینجا برای روشن شدن این پدیده یک مثالی از ولایت بومی خود (هرات) می آورم.

در تاریخ هزاره سال این سرزمین یگانه قدرت بومی که توانست بزرگترین امپراطوری بیگانه را شکست دهد، غوریان بودند. غوریان دودمان غزنوی را سرنگون کردند و حکومت بومی خود را تشکیل دادند. تمام سرزمینی که امروز بنام افغانستان یاد می شود تحت فرمانروایی سفید کوه و زمینداور درآمد و نمونه ی از ادبیات و فرهنگ فارسی و بومی را تا دهلی بردند. جالب است که از دوران پادشاهی احمدشاه دورانی تا امروز هر نظامیکه در افغانستان بوده، طبق میل خود از کابل والی به هرات صادر کرده است. پرسش که مطرح است آیا این شهر با این همه قدامت تاریخی که دارد سزاوار آن نیست که یک والی به خواست مردم بومی انتخاب گردد؟. از این بابت مقاومت عظامحمد نور والی بلخ در مقابل آقای کرزی در جریان انتخابات قابل قدر است. خوشبختانه که امروز شرایط جهانی تغییر کرده عصر زورگوی تمام شده است.

یکی از مسائلی عمده ی که باید یاد نمود، موفقیت جهانی دکتر عبدالله است. آقای کرزی و دار دسته او که مست در چپاولگری اند و خود را برنده تقلبی جا زده اند، نمی داند که امروز در جهان موقعیت دکتر عبدالله بنام رهبر مخالف (اپوزیسیون) افغانستان از کرزی بزرگتر است. دکتر عبدالله باید بداند که موقعیت رهبر مخالف در کشور های صنعتی عین مقام حکومت را دارد و گذشته از آن حکومت کرزی مشروعیت قانونی ندارد و هر روز امکان سقوط آن وجود دارد. دکتر عبدالله باید روی نجات این کشور از ورطه ویرانی زیادتیر کار کند، دست به طرف روشنفکران وطندوست و هرچه

زودتر با مخالفین دیگر یک جا شود و برنامه به سطح تمام کشور برای نجات افغانستان و برای تعیین سرنوشت آینده این سرزمین تهیه داشته و بر فعالیت های سیاسی خویش گسترش بیشتر بخشد .

5- جامعه جهانی به رهبری دولت امریکا و بر خورد با انتخابات

نکته جالب بر خورد سیاسی قدرت های جهانی به رهبری امریکا بر مسائل تقلب انتخاباتی و انتخاب مجدد آقای کرزی دوگانگی آنست. همین دولتمدارانی که با حمایت مالی مصارف دستگاه اداری افغانستان و مصارف هنگفت اردوی ان را تامین می نمایند و ظاهراً به مردم افغانستان و جامعه جهانی نشان می دهند که گویا این قدرت ها از نگاه سیاسی درمقابل آقای کرزی و همفکران او نا توان و عاجز اند . آنها طوری وانمود می نمایند که اکنون بخاطر کله شقی آقای کرزی نمی توانند برای مردم فقیر افغانستان کاری انجام دهند .

جامعه سرمایه داری که در آغاز در گوشه ای از اروپا پا به عرصه وجود گذاشت و به رشد روز افزون خود آغاز کرد و کره خاکی را بخاطر منافع خود به خاک و خون کشاند و چندین جنگ جهانی را با قربانی میلیونها انسان بخاطر سوداگری براه انداخت، ولی اکنون چهل کشور از این رده در افغانستان در مقابل گروه آقای کرزی فاقد قدرت می باشند؟ هم ولایاتی های ما در هرات با چنین روش سیاسی می گویند، - دلی بده و اشکی بریز- یعنی همین قدرت ها که در قرن هفتم هم و هژد هم توسط سیاست های استعماری در کشور های محروم خیمه پهن کردند و یکی از عوامل فقر ، بدبختی و نادانی کنونی برخی از کشور های فقیر مانند افغانستان نتیجه همین سیاست های استعماری است که، آنها بخاطر منافی اقتصادی خود، نظام های خود کامه و سرکوبگر را در کشور های محروم جا بجای کردند . اکنون در افغانستان طوری وانمود می نمایند که این قدرت های بزرگ در مقابل حکومت آقای کرزی که مردم را در اسارت گروه چپاولگری گرفتار کرده است، فاقد قدرت اند . پرسشی که اکنون مطرح است، این است که کشور های که روزی به اتفاق نظر، آقای کرزی را به چوکی ریاست جمهوری افغانستان نصب کردند، امروز همه آنها در پایان آوردن او از چوکی قدرت در مانده اند؟ .

آقای کرزی توسط گروهی و در زمانی دراریکه قدرت ریاست جمهوری افغانستان تکیه کرد، که واقعاً بخشی از کشور های کره خاکی توسط همین گروه - طراحان سیاست جهانگرای لیبرالیسم نوین - به رهبری بوش دوم و همفکران او با خطر نابودی مواجه بودند . همانطوریکه در پیش ذکر شد، اینها حکومت آقای کرزی را به جهانیان نمونه ی از حکومت نیک بشریت معرفی نمودند . آهسته آهسته آقای کرزی در عالم رویا، به شخصیت کرسمانی تبدیل شد . آقای کرزی چالش دولت داری را خوب یاد گرفت . اکنون در مقابل جامعه جهانی در افغانستان طوری اکت می کند که او از قلب مردم بر

خاسته و همو حافظ منافع اقوام سرزمین وادی های هندوکش است .ریاست جمهوری او یک امر ضروری است، زیرا او سنگر ضد استعمار و ضد امپریالیست است .

باعرض حرمت نوامبر 2009